

همایش نکوداشت استاد دکتر سید محمد علوی مقدم

(سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، سبزوار)

هم برای توضیح و تبیین مقصود به کار رفته است. آقای ابراهیم استاجی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار، به «شکل‌شناسی شعر فارسی» پرداخت. به اعتقاد وی، تحول شعر در زمینه شکل در هر دوره با دیگر جلوه‌های فرهنگی و تمدن ایرانی و نحوه نگرش ایرانیان از جمله نحوه معیشت، معماری، قالی‌بافی، اسطوره و عرفان ارتباطی تنگاتنگ دارد. پس از قرائت شعر آقای حسن دلبری، دکتر مه‌دخت پورخالقی از «راز شمس و درخت زندگی» سخن گفت: در شعر مولانا، درخت از یک سو نماد پیری، سالک و نردبان عروج است و از سوی دیگر نماد رستاخیز؛ رستاخیزی که در آن رقص عظیم انبوه درختان عاشق بر گرد خورشید و نور واجب‌الوجود با شکوه تمام برگزار می‌شود و با تکرار آهنگ «پیرجوییم پیرجوییم پیرپیر» به لزوم وجود پیر در راه رسیدن به حقیقت تأکید می‌شود.

در جلسه بعد از ظهر ابوالقاسم رحیمی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار - مقاله خود را با نام «مشفقان و رهنان دین محمد(ص) در ادب کلاسیک پارسی» ارائه نمود. وی گفت: اگر در سویی مؤمنی دژم پذیرد تا شمع دین بمیرد، در دیگر سو، مشفقانی هستند که در خزان خمودی دین، روشنگرانه خلق را به اسلام زوده از زنگارها فرا می‌خوانند و پاکبازانه مشعل آگاهی می‌افروزند.

دکتر صاحبعلی اکبری از اعضای هیئت علمی دانشگاه، مقاله «سیدرضا موسوی هندی و مدح رسول اکرم(ص)» را با این مضمون قرائت کرد: پیامبر صلوات الله علیه در میان فصحا و بلغا، مداحانی چیره و زبان آور داشته: اعشی از دوره جاهلیت، حسّان و کعب از دوره اسلامی، کمیت و دعبیل و سید حمیری و دیک الجن از دوره اموی، بوصیری و عائشه باعونه از دوره انحطاط و احمد شوقی از دوره معاصر. سیدرضا موسوی هندی، نا

محمدباقری سبزواری رئیس شورای اسلامی شهر به حضار، دکتر عباس محمدیان رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دبیر همایش گزارشی کوتاه از نحوه اجرای طرح نکوداشت بیان نمود: گهی خوشدل شوی از من که میرم چرا مرده پرست و خصم جانیم؟

کنون پندار مُردم، آشتی کن که در تسلیم، ما چون مردگانیم چو بر گورم بخواهی بوسه دادن

رخم را بوسه ده کاکنون همانیم (غزلیات شمس، ج ۲، ص ۶۷)

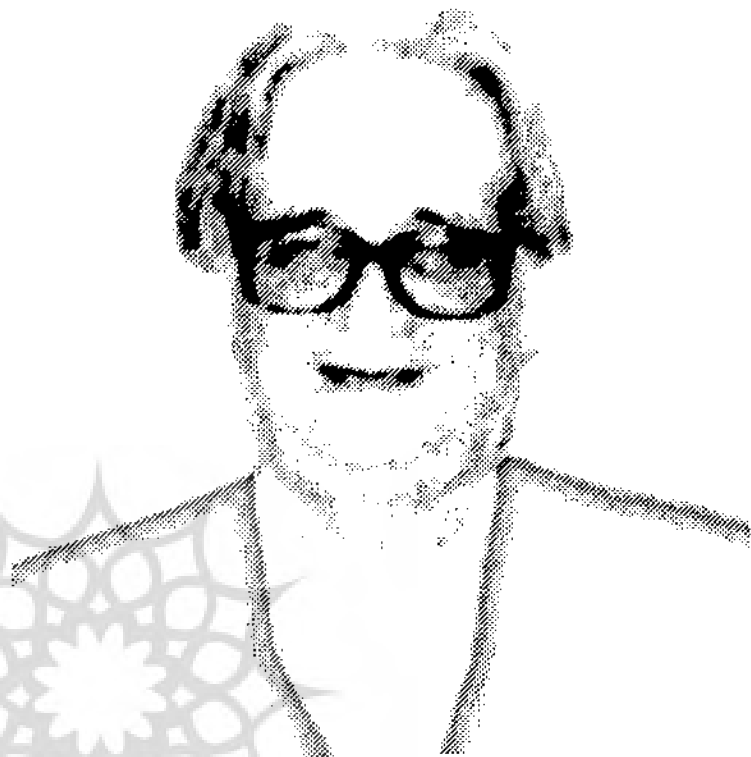
آقای ارشاد سربابی در مقاله‌ای با عنوان «یاد باد آن روزگاران یاد باد» ما را به کوچه‌های کودکی در سبزوار می‌برد: آقِ مَسْنَنِ قَتَادِ بِأَقَامَتِ كَجِج، چیچک‌کشان می‌گذشت. غُلمُ رَنگَرز، نیم مَن کُمای را در یک دستمال می‌آورد تا زنش برایش آش بیزد... استاد که دیگر بالا رفتن از پله‌ها برایش سخت است پر از پاک‌ترین احساسات و شاید لبریز، با چشمانی محبوب و خیس، خود را به جایگاه می‌رساند. عقده عاطفه، گویی راه بر بیان فصیح و بلیغ استاد که شرمنده الطاف حاضران می‌نماید بسته است. اما هم‌چنان نطق استاد سرشار از نکته‌هاست. از سال‌هایی می‌گوید که سوار بر دوچرخه وقتی در آغاز معلمی راه روستا تا شهر را می‌پیموده، دستی به دسته دوچرخه و دستی به کتاب، رکاب زده و خوانده تا بیاموزد و بیاموزاند. برای جوان‌هایی می‌گوید که نمی‌دانند: راهروگر صد هنر دارد تحمل بایدش.

پس از تقدیم لوح یادبود به استاد گزارشی تصویری از زندگی ایشان به نمایش درآمد و در پی آن مقالاتی ارائه شد.

حجة الاسلام دکتر سیدعلی میرلوحی از دانشگاه اصفهان، ضمن صحبت درباره «بلاغت تشبیه در قرآن کریم» گفت: تشبیه در قرآن هم برای اثبات حقایق و

چندی است که از فرخندگی‌های فرهنگی کشور، تقدیر از تلاش و حیات پرتکا پوی دانشوران دل آگاه این سرزمین گردیده است و سبزواری که محقق سبزواری - آقای بیهقی - آن را به راستی «شهر دیرینه‌های پایدار» خوانده، اردیبهشت امسال شاهد یکی از این رویدادهای افتخارآمیز بود. دانشگاه تربیت معلم سبزوار خاصه مسئولان دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه با همکاری شورای اسلامی شهر، پس از چندین ماه تهیه و تدارک توانستند به خوبی میزبان مهمانانی باشند که از سراسر کشور خود را برای عرض احترام به محضر استاد دکتر سیدمحمد علوی مقدم به سبزوار رسانده بودند تا ۵۰ سال خدمت پربرکت استاد را که ۷۰ سال پیش در همین شهر دیده به جهان گشوده، تحلیل کنند: سبزواری، میدان حکیم سبزواری (باغ ملی)، جوان سرای اسرار، (جوان سرای اسرار همان جایی است که در دهه ۱۳۴۰ با نام دبیرستان اسرار تحت تصدی دانشجوی جوان دوره دکتری آقای سیدمحمد علوی مقدم اداره می‌شده است.) از حدود ۶۰ مقاله واصله، ۲۰ مقاله برای چاپ در یادواره استاد برگزیده شد، تعدادی نیز برای قرائت در همایش انتخاب گردید.

ساعت ۹ صبح همایش با پخش سرود جمهوری اسلامی در سالن اجتماعات جوان سرال که گنجایش مشتاقان فراوان تجلیل از استاد را نداشت - شروع شد و آنگاه تلاوت آیاتی از قرآن که مانوس دهه‌های قرآن پژوهی و معرفت‌گستری استاد ادیب و فرهیخته بود، فضا را طهارتی دیگر بخشید. پس از خیر مقدم دکتر محسن حداد سبزواری رئیس دانشگاه و آقای



از شعرای معاصر عراقی است که به شرف مدح رسول خدا(ص) نائل آمده است.

پس از پذیرایی مختصر در جلسه بعد از ظهر، مهیار علوی مقدم که دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی است و از بین فرزندان استاد رهرو راه ایشان است، مقاله خود را با عنوان «نظریه دریافت، هرمنوتیک و تأویل متن» ارائه کرد: از نظر برخی از نظریه پردازان هرمنوتیک از جمله گادامر، معنای متن، از ذهنیت نویسنده و خالق اثر ادبی مستقل است، چراکه ذهنیت نویسنده برای مفسر و تحلیل گر اثر ادبی قابل دسترسی نیست.

دکتر عباس محمدیان - دبیر همایش - در مقاله خود با عنوان «حس گرایی آفت شناخت، از دیدگاه مثنوی» گفت: دل پاک و بصیرت نورانی یاطنی، قدرت حواس ظاهری را نیز صد چندان می کند و سالک مهذب به جایی می رسد که از طریق حواس ظاهری خویش نیز قدرت کشف صوری پیدا می کند و چیزهایی را می بیند که دیگران نمی بینند و صداهایی را می شنود که دیگران از شنیدن آن عاجزند.

یکی دیگر از مقالاتی که در این همایش ارائه شد و می توان در این مجال مختصر به آن اشاره کرد «مروری بر راز و رمز ماندگاری شعر حافظ» از دکتر سیدمهدی زرقانی بود. وی سعی کرده است تا این راز و رمز را در

چهار بخش فرم، محتوا، شیوه بیان و پنهان ماندن شخصیت تاریخی حافظ بررسی کند، گرچه کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را.

در پایان این همایش، پس از اهداء جوایزی به نویسندگان مقالات برتر، استاد دکتر سیدمحمد علوی مقدم سپاس خود را از برگزارکنندگان و حضار همایش اعلام کرد و در اقدامی تحسین برانگیز درسی دیگر به دانشجویان خویش آموخت و آن اتفاق و ایثار از چیزهایی است که به شدت دوستان می دارند. استاد کتابخانه اش را با بیست هزار کتابی که حاصل چندین دهه انتخاب آگاهانه بوده است به دانشگاه و دانشجویان اهدا نمودند. ایشان در جلسه صبح نیز تقاضا کردند تا هدایا، در اختیار دانشگاه قرار گیرد و صرف فعالیت های علمی دانشگاه شود.

دکتر عباس محمدیان در پایان همایش، ضمن تشکر از حضور علاقه مندان خبر از پیگیری های لازم و نهایتاً تصویب جایزه های به نام «جایزه استاد دکتر سیدمحمد علوی مقدم» داد. از این پس دانشگاه تربیت معلم سبزوار، به دانشجویان برتر و برگزیده های که شرایط علمی این جایزه ارجمند را حائز شوند سالانه ۳ جایزه خواهد داد.

همایش ساده، اما بسیار صمیمی نکوداشت استاد دکتر سیدمحمد علوی مقدم در شامگاه پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۰ با خاطره ای خوش پایان یافت.

محمد حسن صنعتی

در مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه شماره (۴۱ و ۴۲) مقاله ای از سرکار خانم سهیلا قسیمی ترشیزی به چاپ رسیده که در صفحه آغازین آن (ص ۷۸) آمده است: «امروزه که فهرست و تصاویر نسخ خطی غالب کتابخانه های جهان کم و بیش به آسانی در دسترس هر محقق هست، کار تصحیح انتقادی متون کهن را از هر جهتی پایان یافته باید تلقی کرد...» ای دریغ که آن نویسنده چگونه چنین مطلبی نوشته است! دست کم پنجاه نسخه خطی کهن تنها در اختیار این حقیر است که در هیچ فهرستی هیچ نشانی از آنها و یا به طور کلی نامی از آنان و دیگر نسخشان به چشم نمی آید و بارها در اصفهان شاهد تخریب بناهای تاریخی بوده ام که نسخ پنهان شده در آن جا به دست رفتگران معنوی رفته شده است. چه کتابخانه های شخصی پربهایی که بیش از هزار نسخه ناشناخته دارند. بارها خواسته ام فهرست نسخه های گرانمایه مدارس و مقابر همین شهر را منتشر کنم و یا معرفی گونه ای بر سبیل اجمال برایشان بنگارم، ولی هراسیده ام که میاد که معرفی جا و مکان آنها مقدمه ای حتمی برای سرقت آن بی نگهبانان شود. به هر حال محدود کردن نسخه های مکتوب بی شمار این مرز و بوم به چند فهرست معدود و محدود حتی درباره متون مشهوری چون شاهنامه توسط آن نویسنده محترم بسی جای تأمل است.

محمد رضا زاد هوش